

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی

۲۵ نومبر ۲۰۱۹

خشم توده ها جز با آتش به جان خصم، خاموشی نمی گیرد!

کارگران، زحمتکشان، توده های تحت ستم ایران، جوانان پرشور و انقلابی! درود بی کران بر شما باد که با برافروختن شعله های پرفروغ قیام علیه چهل سال ظلم و خفقان و دیکتاتوری، نوید رهایی می دهید و امید به برپائی جامعه ای عاری از ستم و استثمار و دار و شکنجه را در دل ستمدیدگان سراسر ایران روشنی می بخشید. درود بر شما که امروز قهرمانانه با نیروهای مسلح ضد انقلاب جمهوری اسلامی به جنگی انقلابی برخاسته اید. این نبرد سلحشورانه و این قهر انقلابی شما تا سوزاندن ریشه همه جنایت ها و پلیدی ها که همانا سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران است، پایدار و پیروز باد!

در هر خیزش انقلابی توده ها که گاه به یک انقلاب بزرگ اجتماعی فرا می روید، عاملی به عنوان یک جرقه، باروت خشم و نفرت توده ها علیه وضع ظالمانه و طاقت فرسای حاکم را به حد انفجار رسانده و آن ها را برای سرنگونی رژیم حاکم و تحقق خواسته های بحق و انقلابی شان به میدان نبرد قاطع با دشمنان می کشاند. امروز در ایران، سه برابر کردن قیمت بنزین که معنایش تعرض بی رحمانه دیگری از طرف جمهوری اسلامی به سفره خالی کارگران و زحمتکشان و به معیشت همه توده های تحت ستم ایران و تحمیل یک مرگ تدریجی به آنان می باشد، نقش همان جرقه را بازی کرد.

حرکت های مبارزاتی که در ۲۴ آبان ماه [عقرب] سال جاری، در تهران و برخی از شهرها در شکل خاموش کردن ماشین ها در خیابان ها، بستن جاده ها و بعد آتش زدن پمپ های بنزین به منظور اعتراض به گران شدن بنزین آغاز شد، امروز که این سطور نوشته می شود به یک جنگ تمام عیار بین توده های انقلابی و نیروهای مسلح ضدانقلابی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

به گفته خامنه ای یعنی رأس دیکتاتوری حاکم، تصمیم به سه برابر کردن قیمت بنزین با تأیید وی توسط روسای سه قوه مقننه و قضائیه و مجریه اتخاذ شد. اما در کنار این تصمیم، چگونگی توجیه آن جهت فریب توده ها از یک طرف و چگونگی مقابله با اعتراضات توده ئی کاملاً قابل پیش بینی، از طرف دیگر مطرح بود. از مورد اول که فعلاً بگذریم، عملکرد نیروهای مسلح رژیم که از همان روز اول با خشونت به صف تجمعات اعتراضی کاملاً مسالمت آمیز مردم یورش برده و براهتی به سوی توده های غیر مسلح آتش گشودند، شکی باقی نگذاشت که سران جنایتکار رژیم پیشاپیش

با وقوف به شدت خشم و نفرت توده ها از خود و پیش بینی اعتراضات خشمگین آنان نسبت به تعرض رژیم به معیشت شان، فرمان تیراندازی به توده ها و به خاک و خون کشیدن آن ها را به نیروهای مزدور مسلح خود ابلاغ کرده بودند. جمهوری اسلامی که یک بار در دهه ۶۰ با کشتار توده ها در کوچه و خیابان و در زندان های مخوف خود و بعد با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ چهره شدیداً جنایتکار و ضد خلقی خود را در سطحی کاملاً گسترده به مردم ایران نشان داده بود، بعدها علی رغم تداوم جنایات و کشتارهای آشکار و پنهان توده های تحت ستم، سعی می کرد حتی چهره اصلاح طلب هم به خود بدهد. البته حرکت های مبارزاتی توده های انقلابی ایران هیچ وقت اجازه چنین فریبکاری را به رژیم ندادند. در جریان خیزش های توده ئی سال های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ نیروهای مسلح مزدور تا آن جا که توانستند دست به کشتار مردم زدند و بی محابا خون توده گرسنه به شورش برخاسته را بر زمین ریختند. دو سال پیش در جریان جنبش انقلابی ۱۳۹۶ که علاوه بر کشتار در خیابان، توده وسیعی را دستگیر و زندانی نمودند پس از کشتن خیلی از آن ها در زیر شکنجه، با وقاحت و رذالت تمام، جسد های سوخته شان را برای ایجاد ترس و وحشت - گاهاً با این عنوان که در زندان خودکشی کرده اند - به خانواده هایشان تحویل می دادند. با این حال ادعای رژیمیان آن بود که کسی را نکشته اند. اکنون، در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ جمهوری اسلامی خود را در چنان شرایط ضعف و استیصال می بیند که حتی قادر به استتار دستان خون آلود خویش و نقاب زدن به چهره جنایت بارش نیست، و به همین خاطر با درماندگی، دستور زدن تیر مستقیم به توده های بی سلاح معترض را می دهد. این رژیم به این ترتیب رسوائی خود را با چنان برجستگی به نمایش گذاشته است که حتی سازشکارترین افراد و نیروهای سیاسی هم قادر به توجیه اعمالش نیستند.

مشاهده این حد از وحشیگری پلیس (یگان های ضد شورش) که نام بی مسمای نیروی انتظامی روی آن گذاشته شده، در آغاز برای توده ها شوکه آور بود به طوری که در برخی ویدئو ها دیده می شود که آن ها با شگفتی می گویند، ببین! نیروی انتظامی شلیک کرد! گلوله مشقی نبود! کشتند! آشکاری تیراندازی به سوی مردم غیر مسلح از طرف آن مزدوران تا آن جاست که امروز شاهدان عینی در شهرهای مختلف گواهی می دهند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کاملاً به قصد کشت به سوی مردم تیراندازی می کنند. مطرح می کنند که نیروهای انتظامی به صرف تجمع و سردادن شعار، مردم معترض را نشانه گرفته و گلوله به سوی آن ها شلیک می کنند. خاتم کارمندی در اصفهان می گوید: "مأموران با اسلحه ما را می زنند، ما فرار کردیم. انگار دارند پشه می کشند. جان ما آدم ها یک پر برایشان ارزش نداره... مسأله فقط بنزین نیست. همه چیز گرونه، گوشت، مرغ، بچه هام گرسنه اند، نمی تونم زندگیمو بچرخونم". وحشی گری مزدوران مسلح و تیراندازی مستقیم آن ها به سوی مردم از چنان ابعادی برخوردار است که علیرغم قطع اینترنت، قابل کتمان نیست و در ویدئوهایی که منتشر شده اند، به طور آشکار نشان داده می شوند.

اما اگر دشمنان از آغاز خود را برای سرکوب خونین توده ها آماده کرده بودند در مقابل، تصمیم توده ها نیز به طور غریزی مقاومت و ایستادگی بود که در این شعار به گویائی بیان شده است: "چهل سال خون گریستیم، بسه دیگه می ایستیم". به همین دلیل خاموش کردن ماشین ها، تجمع در خیابان و آتش زدن پمپ بنزین ها از اولین اقدامات توده های مبارز ایران بود. ولی اگر جمهوری اسلامی با حملات خونین خود به مردم سعی داشت توده ها را به عقب نشینی وادار کند، اتفاقاً مشاهده وحشیگری های رژیم، آن ها را جری تر ساخت. توده ها نه تنها عقب ننشستند، بلکه با تهور بیشتری با نیروهای مسلح رژیم درگیر شدند و به عنوان اولین پاسخ، در بسیاری از شهرها، بانک ها، این مراکز استثمار، این تجسم سرمایه مالی امپریالیستی را که به تجربه دریافته اند که عامل ادبار و بدبختی آنان می باشند، به آتش کشیدند.

اکنون توده های خشمگین و سلحشور با مایه گذاشتن از جان خود و با سپر قرار دادن سینه های خود در مقابل گلوله های حافظین مزدور سیستم ظالمانه سرمایه داری حاکم، به هر مرکز سرکوب و ستم و استثمار، از فرمانداری ها و کلانتری ها و پایگاه های نیروهای بسیج و پلیس و شهرداری ها گرفته تا حوزه های علمیه که ضمن اشاعه خرافات مذهبی، مراکز سرکوب توده ها نیز می باشند و همچنین به دفاتر امام جمعه های مفتخور و سرکوبگر حمله برده ، آن ها را آتش زده و گاه به تصرف خود در می آورند. اغلب شهرها در استان های سراسر ایران، به صحنه درگیری شدید بین انقلابیون و نیروهای مزدور رژیم تبدیل شده است. بر اساس گزارشات منتشر شده، در شیراز، شهری که جوانان مبارز اولین بار در دانشگاه، شعار "ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا به جنگیم" سر داده بودند، بخشی از شهر به کنترل توده های مردم یعنی زنان و مردان انقلابی در آمده است. در برخی نقاط نیز چون بوکان در کردستان طی درگیری های شدید بین توده ها و ضد انقلاب مسلح، مدتی کنترل شهر به دست انقلابیون می افتد. در این جنبش انقلابی، شرکت فعال و رزمنده خلق عرب در خوزستان، خلق رزمنده بلوچ در بلوچستان و حضور برجسته خلقهای کُرد در کردستان و تُرک در آذربایجان با سابقه غنی مبارزاتی شان در حالی که هم سرنوشت بودن همه خلقهای ایران در مقابل دشمنان مشترکشان را آشکار نمود، مشت محکمی نیز بر دهان یاهو گوی مرتجعینی کوبید که سعی بر تفرقه افکنی بین خلق های ایران را داشته و آن ها را جدائی طلب جلوه می دادند. شرکت وسیع و پر حرارت زنان از میان کارگران و زحمتکشان و ستیز قهرمانانه آنان با رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی که در ضمن با شجاعت و رزمندگی مشوق مردان در پیمودن راه انقلاب هستند، یکی دیگر از جلوه های با شکوه این قیام توده ای می باشد.

با قدرت نمائی توده ها در مقابل دشمنانشان، امروز چنان شرایط انقلابی و اوضاع غیر معمول و خاصی در جامعه به وجود آمده است که قدرت های امپریالیستی به مثابه دشمنان مردم نیز به آن اذعان می کنند. این شرایط ویژه که به معنی دست زدن توده ها به انقلاب می باشد ، خلق های رزمنده و انقلابی ایران را در کنار خواهران و برادران انقلابی خود در لبنان و عراق قرار داده است. واقعیت این است که انقلاب را توده ها برپا می کنند ولی این امر که آن ها تا چه حد بتوانند آن را ادامه دهند و در چه شرایط و زمانی امکان به آغوش کشیدن پیروزی را خواهند داشت ، امری است که تماماً به توازن قوا بین آن ها و دشمنانشان بستگی دارد. با هرچه نیرومند شدن و قدرت گیری توده ها، جبهه دشمن ضعیف و ضعیف تر شده و بالاخره نابود خواهد شد.

بنابراین، امروز همه مسأله برای کسانی که عمیقاً دلسوز توده ها بوده و خواهان غلبه آن ها بر دشمنانشان می باشند این است که چگونه می توان به پیشبرد رزم کنونی آنان یاری رساند. یکی از مهمترین موضوعات در این زمینه چگونگی برخورد به شیوه مبارزه قهرآمیز توده ها با رژیم جمهوری اسلامی و کلاً با دشمنانشان می باشد. دشمن به توده ها می گوید یا به سیاست هائی که من بر اساس توصیه بنگاه های امپریالیستی و به نفع آنان در پیش می گیرم ، گردن نهاده و در مرداب فقر و فلاکت فرو روید ، یا با کلیه فروشی و قرنیه چشم فروشی و ... تن فروشی و غیره و ارتزاق از ظرف های زباله، مرگ تدریجی خود را متحمل شوید و به صف کارتون خواب ها و گور خواب ها ببیونید، و خلاصه به بیداد تن بدهید و پذیرای ذلت باشید، یا همانطور که می بینید با شما به طور مسلحانه با بی رحمی تمام خواهیم جنگید! آیا در مقابل این منطق ارتجاع، جز مسلح شدن و قاطعانه به مصاف دشمن رفتن، با آن جنگیدن، راه دیگری هم پیش پای توده های تحت ستم ما وجود دارد؟ یا مردن با خفت و خواری در کنج دیواری و یا با شرف و عزت وارد شدن به میدان نبرد جانانه با دشمن! این واقعیت است که چگونگی برخورد به آن امروز به طور کاملاً آشکار صف دوستان و دشمنان مردم ایران را تعیین و مشخص می سازد. تمام دشمنان مردم از طریق رسانه های رسمی و غیر رسمی خود در حالی که با توسل به ریا و دروغ خود را حامی مردم ما جا می زنند، تحت این پوشش که مخالف خشونت هستند مردم را از

هر گونه توسل به قهر انقلابی باز می دارند. انگار که اعمال قهر ضد انقلابی و خشونت ضد انقلابی از طرف حکومت امری طبیعی و حق آن هاست و گویا تنها مردم نباید و حق ندارند به دفاع از خود برخاسته و به اعمال قهر متوسل شوند! دلیل چنین برخوردی از طرف دشمنان مردم آشکار است. منافع طبقاتی آنان ایجاب می کند که به هر ترتیب به تداوم شرایط استثمار وحشیانه نیروی کار و پیشبرد سیاست های امپریالیستی در ایران کمک نموده و در حفظ وضع ظالمانه حاکم بکوشند. اگر خوب توجه کنیم می بینیم که اساساً باز داشتن توده ها از اعمال قهر انقلابی علیه دشمنانشان، تکمیل سرکوب های وحشیانه حکومت است که به همان منظور حفظ وضع ظالمانه حاکم و به عقب راندن و به تسلیم وا داشتن توده ها و وادار کردن آن ها به پذیرش ذلت (توده ها در شعار هایشان فریاد می زنند که ذلت نمی پذیرند)، صورت می گیرد. البته در این میان نیروهای بینابینی هم وجود دارند که اسیر توهومات خود بوده و حداکثر برای بهبودی اوضاع دست به شکایت می برند و بر آنند که حکومت به صرف شکایات و درخواست های مسالمت آمیز آنان (البته درخواست مسالمت آمیز در خانه های خود! والا وقتی پا در خیابان بگذارند نا خواسته با خشونت نیروهای مسلح رژیم مواجه خواهند شد) وادار به عقب نشینی خواهد شد و از رژیم می خواهند حالا که قیمت بنزین را سه برابر کرده است، مقداری هم به حقوق ها اضافه کند. این دسته، حرف های اصلاح طلبان را می زنند و آگاهانه یا نا آگاهانه به تداوم وضع موجود کمک می کنند. نمایندگان فکری این بخش بینابینی و متوهم در جنبش کمونیستی، اپورتونیست نامیده می شوند که اگر چه در صف نیروهای خلق قرار دارند ولی با اعمال و رفتارشان و امروز مشخصاً با عدم پشتیبانی از قهر انقلابی توده ها و با عدم تأکید بر ضرورت و حقانیت توده ها در مسلح کردن خود و جنگ با دشمنانشان، خدمتگزار جبهه دشمن می باشند.

توضیح این امر که چرا جمهوری اسلامی علی رغم وقوف به فقر و مشکلات جدی اقتصادی مردم - که اتفاقاً در سخنرانی های سران حکومت هم به آن اعتراف می شود - و پیش بینی حرکت های شدید اعتراضی آنان، اقدام به سه برابر کردن قیمت بنزین و از این طریق به گران تر کردن دیگر کالاها نمود، موضوع اساسی دیگری است که چگونگی تحلیل آن با توجه به نتایج عملی حاصل از آن تحلیل خط مرزی بین دوستان واقعی مردم و آنهایی که سد راه پیشرفت مبارزات مردم هستند، می کشد. چرا که این تحلیل ها یا به ارتقای آگاهی توده ها و روشنی بخشیدن به راه مبارزاتی آنان کمک می کنند و یا در خدمت کور کردن اذهان توده ها و انحراف مسیر مبارزاتی آنان قرار دارند.

سه برابر کردن قیمت بنزین، به دلیل وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم، در راستای اجرای سیاست دو بنگاه امپریالیستی که آمریکا در رأس آن ها قرار دارد یعنی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مبنی بر لغو سوبسیدها از طرف دولت روحانی صورت گرفت. اما این دولت مدعی است که به دلیل خالی بودن خزانه قصد دارد با گران کردن قیمت بنزین، بودجه لازم برای پرداخت یارانه به محتاجان را فراهم کند! بدون مکتب روی این ادعا، در این جا یک سوال اساسی مطرح است. چرا خالی بودن خزانه دولت؟ و چرا کسری بودجه؟ مگر مردم ایران صاحب ثروت های بیکران در کشور خود نیستند؟ بر همگان آشکار است که وجود مخازن سرشار از نفت در خوزستان و برخی دیگر از نقاط ایران به تنهایی قادر به تأمین بودجه کلان برای دولت می باشند. تازه علاوه بر این، ایران از ثروتی که از گنجینه معادن گوناگون کشور و از جنگل ها و زمین های کشاورزی حاصل خیز و غیره به دست می آید، برخوردار می باشد. پس با اینهمه ثروت چرا کارگران و زحمتکشان ما از رفاه و یک زندگی سعادتمندانه برخوردار نیستند و دولت از خالی بودن خزانه می نالد؟ در پاسخ به این موضوع بدون آن که لازم باشد در این جا وارد برخی فاکتور ها در ارتباط با دلایل کمبود بودجه دولت گردیم (از جمله تحریم های تحمیل شده از طرف ایالات متحده آمریکا که ماحصل رقابت های امپریالیستی می باشند و در چهارچوب سیاست ایران هراسی اعمال شده و البته نتایج مخرب حاصل از آن

بر سر توده های محروم ایران سرشکن می شود)، باید به این واقعیت توجه کنیم که ثروت های سرشار ایران ضمن استثمار کارگران و به عبارت دیگر بهره کشی، آن هم به صورت کاملاً وحشیانه از نیروی کار آنان و همچنین از طریق مکانیسم های بازار، در درجه اول به جیب امپریالیستهای دارای نفوذ در ایران و سرمایه داران وابسته به آن ها می رود. از طرف دیگر باید دانست که دولت های رژیم جمهوری اسلامی، بودجه کشور را جدا از همه حیف و میل ها و رتق و فتق بورکراسی حاکم به طور عمده در دو حوزه خرج کرده و می کنند. یک بخش عمده از بودجه صرف نگهداری نیروهای مسلح اعم از ارتش و پلیس و زواید آن ها و همچنین نیروهای امنیتی می گردد که وظیفه شان سرکوب توده ها، ایجاد فضای رعب و وحشت و اختناق در میان آن ها در جهت ایجاد به اصطلاح آرامش در جامعه به نفع طبقه استثمارگر حاکم (همان امپریالیستها و سرمایه داران وابسته شان) می باشد. بخش عمده دیگر بودجه، خرج دخالت گری های جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه از عراق گرفته تا سوریه و لبنان و یمن می گردد. حال اگر مروری بر گذشته جمهوری اسلامی داشته باشیم، خواهیم دید که این رژیم که از طرف امپریالیستها در کنفرانس گوادلوپ بر سر کار آورده شد نه تنها برای حفظ منافع امپریالیستها در ایران وظیفه سرکوب انقلاب توده ها را به عهده گرفت، بلکه جهت پیشبرد سیاست های امپریالیستی در منطقه خاورمیانه نیز ملزم به ایفای نقش گردید. در همان بدو روی کار آمدن این رژیم، جمهوری اسلامی ملزم به تقویت مجاهدین افغان به مثابه یک نیروی مرتجع طرفدار آمریکا در افغانستان شد. بعداً نیز این دخالت گری ارتجاعی در دیگر کشورهای منطقه نظیر عراق و لبنان و یمن و غیره ادامه یافت. با توجه به سرمایه گذاری امپریالیستها روی پروژه "بنیادگرایی اسلامی"، رژیم جمهوری اسلامی امروز در خدمت به سیاست های جنگی امپریالیست ها در منطقه، به ارتجاع فائقه یا به عبارت دیگر به سر دسته دولت های مرتجع در خاورمیانه تبدیل گشته است. بنابراین حتی اگر ادعای دولت روحانی مبنی بر خالی بودن خزانه دولت را بپذیریم می بینیم که علت این امر صرف ثروت های مردم ایران از یک طرف در خدمت به حفظ سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و از طرف دیگر در جهت اجرای سیاست های امپریالیستی در منطقه می باشد، واقعیت هائی که حاصلش برای کارگران و زحمتکشان ما جز افتادن در چنبره دردناک فقر و فلاکت و مصیبت های ناشی از آن چیز دیگری نیست.

حال اگر به توفان انقلابی ای که در چند روز اخیر به دست توده های قهرمان و از جان گذشته ایران آفریده شد برگردیم می بینیم که قدرت های امپریالیستی و از جمله رسانه های رسمی و غیر رسمی آنان دقیقاً برای این که بتوانند وضع ظالمانه موجود در ایران و شرایط جنگی در خاورمیانه را با یاری این ارتجاع فائقه در منطقه حفظ و تداوم بخشند، از هیچ کوششی برای به خاموشی کشاندن آتش قیام توده های جان به لب رسیده ما کوتاهی نکردند. آن ها علیرغم حفظ ظاهر و حتی ادعای طرفداری از توده های ستمدیده ما در حرف، به طرق مختلف در عمل دشمنی خود را با مردم ما آشکار نمودند. صرف نظر از آن چه در پشت پرده گذشته و می گذرد، نمودار هائی را می توان در این جا ذکر کرد که بیانگر پشتیبانی و همکاری کامل نیروهای امپریالیستی با جمهوری اسلامی جهت مقابله با توده های انقلابی ایران بود. از جمله:

گذشتن تکنولوژی مربوط به مسدود کردن اینترنت از طرف نیروهای امپریالیستی در اختیار رژیم جنایتکار ایران، به طوری که جمهوری اسلامی توانست با این "کمک بی دریغ" از عالم "غیب"، اینترنت را به روی توده های ایران ببندد و مردم ایران و جهان را از مطلع شدن از رویدادهای مربوط به قیام ستمدیدگان ما محروم سازد. با بستن اینترنت، دشمنان، جنبش انقلابی توده های کارد به استخوان رسیده ما را محاصره نمودند و سعی کردند نه تنها از تأثیر گذاری عملیات متهورانه و قهرمانانه ستمدیدگان محروم ایران بر دیگر ستمدیدگان و محرومان در ایران و خاورمیانه و حتی

جهان جلوگیری کنند بلکه عجز و ناتوانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقابل قدرت توده ای و جنایات و وحشی گری آن ها علیه توده های بی سلاح را نیز تا آن جا که می توانند استتار نمایند.

انتشار اخبار مغرضانه از طرف رسانه های امپریالیستی نظیر بی بی سی برای بازداشتن ستمدیدگان از تداوم اعتراضات خود، از دیگر اقدامات دشمنان مردم بود. مثلاً به دروغ اعلام می کردند که دولت به حساب مردم پول ریخته است (یعنی دیگر نیازی به اعتراض نیست و به خانه هایتان برگردید). در جریان جنبش انقلابی نیز در شرایطی که این رسانه ها - به خصوص تلویزیون "من و تو" - از مدت ها پیش به طور مستمر و با شدت به نفع سلطنت پهلوی، این جرثومه فساد و تباهی و جنایت تبلیغ می کردند، اکنون فرصت یافته بودند که با پخش اخبار دروغ و یا اگر در جایی کسانی تحت تأثیر تبلیغات آنان شعاری به نفع سلطنت داده بودند با برجسته کردن آن، خواست توده های تحت ستم ما را برگرداندن سلطنت به ایران جلوه دهند. این رسانه های مرتجع، به واقع مردم ما را نادان و عقب مانده تصور می کنند که گویا به جای سیطره رسوبات گندیده ۱۴۰۰ سال پیش اسلامیون حالا می خواهند از به اصطلاح دوره پیغمبر اسلام هم دورتر و به عهد عتیق رفته و به ۲۵۰۰ سال پیش برگردند؛ و این بار تاریخ پر زجر و عذاب برده داری کوروش و داریوش که پاسارگاد را بر دوش زخمی برده ها و حتی با جسد های خونین آن بردگان ساختند را دوباره در ایران زنده کنند!! جالب است به این نکته توجه شود که بی بی سی که در سال ۱۳۵۷ وقتی انقلاب توده ها به اوج خود می رسید، مرتب علیه شاه و به نفع "آیت الله خمینی" تبلیغ می کرد و حتی مردم را فریب داده و می گفت که عکس این "روحانی" در ماه افتاده است، حال در تبلیغات مزورانه اش، ظاهراً از زبان مردم، به دفاع از شاه برخاسته و برگشت سلطنت به ایران را خواست توده های ما جا می زند.

بایکوت خبری رویداد های قیام مردم در ایران از دیگر اقدامات آشکار نیرو های امپریالیستی بود. همه به یاد دارند که در زمان ظهور داعش که امروز کمتر کسی تردیدی در آفرینش آن توسط امپریالیسم آمریکا دارد، نه تنها اقدامی برای قطع یا مختل کردن اینترنت برای جلوگیری از انتشار تولیدات به غایت ارتجاعی آن ها نمی شد بلکه صحنه های بسیار جنایت بار و خشونت آمیز از اعمال آنان توسط رسانه های امپریالیستی به طور وسیع به سراسر جهان مخابره می شد. آن هم در حالی که ظاهراً خشونت طلبی را تقبیح می کنند. اما در رابطه با قیام توده ای انقلابی مردم ما، هیچ اقدامی برای آشکار کردن واقعیت آن چه در ایران می گذرد از طرف نیروهای امپریالیستی صورت نگرفت. آیا هیچ یک از این رسانه ها با همه قدرت و امکاناتی که در اختیار دارند بدون اینترنت قادر به پخش رویدادهای انقلابی ایران نبودند؟ آیا هیچ یک از این رسانه ها، خبرنگارهای خاص خود را در ایران نداشتند که از طریق غیر از اینترنت مردم ایران و جهان را از آن چه در جامعه ایران می گذرد با خبر سازند؟ شکی نمی توان داشت که اگر پای منافع امپریالیستی در میان نبود چنین بایکوت خبری آگاهانه هم در مورد رویدادهای قیام توده های ما صورت نمی گرفت.

کوشش در کمتر جلوه دادن تعداد شهدای جنبش و شهرهائی که قیام توده ها در آن جا ها جریان داشت، از دیگر اقدامات مغرضانه رسانه های ارتجاعی می باشد.

همه این واقعیت ها یک بار دیگر چهره امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی مردم ایران را بر ملا می سازند و نشان می دهند که کشور ما ایران، چه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود در منطقه خاورمیانه و چه به خاطر ثروت های کلانش و امروز با توجه به نقش ارتجاع جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست "ایران هراسی" به مثابه یک پروژه امپریالیستی، از چه اهمیتی برای امپریالیست ها برخوردار است. با تکیه بر این واقعیت، ضروری است تجربیات مبارزات گذشته در اختیار نسل جوان گذاشته شود، چرا که گذشته، چراغ راه آینده است. بنابراین، لازم است گفته شود که انقلاب مردم ایران برای این که بتواند به پیروزی دست یابد در درجه اول نیازمند رهبری مبارزات انقلابی توده ها توسط طبقه

کارگر متشکل و آگاه به ایدئولوژی طبقاتی خود یعنی مارکسیسم-لنینیسم می باشد. تجربه نشان می دهد که این امر مهم در شرایط ایران که دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز بر آن حاکم است از راه های مسالمت آمیز و قانونی حتی با رعایت کامل اصول مخفی کاری حاصل نمی شود. راهی که امروز چریکهای فدائی خلق بر اساس تجربیات انقلابی گذشته هم برای تأمین رهبری طبقه کارگر در جنبش و هم اساساً برای غلبه بر دشمن و رسیدن به آزادی، پیش پای کارگران مبارز و جوانان انقلابی آگاه می گذارند این است که بکوشند خود را در گروه های سیاسی - نظامی متشکل کنند و به انجام عملیات پارتیزانی یا به قول خودمان چریکی علیه دشمن دست بزنند. به قول رفیق پویان (از رهبران چریکهای فدائی خلق ایران) در شرایط دیکتاتوری حاکم بر جامعه که امروز شدیدتر از دوره شاه می باشد تنها تشکیلی قادر به بقاء و تداوم مبارزه خویش می باشد که مسلح شده و راه تعرض بر دشمن را در پیش گیرد. جمله معروف رفیق پویان چنین است: "برای این که باقی بمانیم، مجبوریم تعرض کنیم." در شرایط کنونی ایران، گروه های سیاسی - نظامی مورد نظر، ضمن آگاه کردن مردم از اهداف مبارزاتی خود و کوشش در تربیت سیاسی آنان، چشم انداز ایجاد رهبری متشکل کارگری (کمونیستی)، عضو گیری از توده ها و تشکیل ارتشی از توده های مسلح را در مقابل خود قرار می دهند. همه تجربیات در جامعه تحت سلطه ایران گواه آنند که جهت غلبه بر دشمن و تحقق خواسته های توده های ستمدیده یعنی ساختن ایرانی عاری از ظلم و ستم و استثمار، راهی جز تشکیل ارتش خلق و آزاد سازی منطقه به منطقه ایران تحت یک رهبری انقلابی کارگری وجود ندارد و تنها از این طریق می توان به نان، کار، آزادی و استقلال از امپریالیست ها دست یافت.

این مقاله موقعی تکمیل شد که دریای خلقهای قهرمان ایران به عقب نشسته تا موج قدرتمندی را در درون خود بپروراند و این موج، پرتوان تر از قبل بخروشد و با هیبتی عظیم تر بر پیکر ارتجاع بکوبد و به ساحل آزادی برسد. اکنون باز باید کارگران، زحمتکشان، توده های تحت ستم ایران، جوانان پرشور و انقلابی را خطاب قرار دهم و بگویم که شما با مایه گذاشتن از جان خود، فداکارانه دست به قیام قهرمانانه ای زدید و با این عمل شجاعانه، بر پیکر اژدهائی که راه چشمه آب حیات خلق های ایران را سد نموده ضربات جانکاهی زدید. این دستاورد و پیروزی شماست. اما، این اژدهائی که در ظاهر قدر قدرت به نظر می رسد هیولای بیمار افتاده در بستر مرگ است که شما با اقدامات انقلابی خود، این پیکر هیولائی درمانده را قدمی دیگر به مرگ محتوم خویش نزدیک تر ساختید. دستاورد و پیروزی شما، همانا تأثیرات مبارزاتی ای است که بر روی ستمدیدگان در ایران و جهان بر جای گذاشتید. دستاورد و پیروزی شما، تجربیات خونین به جا مانده از این قیام است که راه را برای کوبیدن سر خصم بر سنگ هر چه بیشتر هموار می سازد. این حقیقت را خون زنان و مردان انقلابی که در این قیام با گلوله های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بی رحمانه بر زمین ریخته شد، گواهی می دهد. در این جا با گرمی داشت یاد پر عظمت آنان، همدردی عمیق خود را با بازماندگان جانبختگان این قیام مردمی اعلام می کنم. تاکید بر واقعیت تاریخی زیر شاید مرهمی بر زخم عمیقی باشد که دژخیمان جمهوری اسلامی با ربودن و کشتار جگر گوشه گان مردم، بر جان و روح آن ها گذاردند: این خون ها به هدر نمی روند ، بلکه چنان تعهد و انرژی انقلابی در وجود ستمدیدگان کارد به استخوان رسیده ما ایجاد می کنند که دشمن از همین امروز از تصور انتقام بی امان این ستمدیدگان، بر خود می لرزد. نباید فراموش کنیم که:

"قهر ضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می توان پاسخ داد" و "تنها یک خلق مسلح قادر به آزاد زیستن است".

سی ام آبان ۱۳۹۸ - ۲۱ / ۱۱ / ۲۰۱۹